



## ارائه رابطه خط مشی های عمومی اشتغال با رویکرد حکمرانی شبکه ای در یک سازمان (مطالعه موردی اداره تعاون استان سیستان و بلوچستان)

زهرا شکوه<sup>۱</sup>، مقداد شهرکی<sup>۲\*</sup>، محسن چهکندی<sup>۳</sup>.

۱- استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۲- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۳- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

### چکیده:

یکی از اساسی ترین نیازهای جوامع بشری اشتغال می باشد و از عدم اشتغال به عنوان پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یاد می شود. یافتن و تحقق راهکار اشتغال از طریق تأمین زیرساخت های مورد نیاز برای راه اندازی و اداره کسب و کارهای کوچک و متوسط از شاخص های اصلی توسعه یافتگی جوامع در اکثر کشورهاست. با توجه به اینکه یکی از مهمترین مراحل در فرآیند خط مشی گذاری، مرحله تدوین است از این رو به مهم ترین دغدغه های خط مشی گذاران و برنامه ریزان کشورهای مختلف مبدل شده است. این در حالی است که خط مشی گذاری کسب و کار های فوق، از جنبه تئوریک، نیاز به مبنایی دقیق دارد تا بتواند به ایجاد اقتصاد کارآفرینانه با کارآفرینان بیشتر و دستیابی به هدف های تعیین شده در کشور، کمک نماید. بر این اساس، با بهره گیری از رویکرد حکمرانی شبکه ای در این مرحله به دلیل ایجاد دیدگاه چند وجهی و مشارکت نهادهای ذی نفع در حل مسائل پیچیده بسیار اثر گذار است. این پژوهش در زمره پژوهشهای ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی و مدل ابزارسازی بوده که در دو مرحله کیفی و کمی اجرا گردیده است. قلمرو مکانی و زمانی پژوهش حاضر مربوط به وزارت تعاون استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه است. مدل های تعالی زیادی برای یافتن مسیر و ارایه راهکارهای مناسب در جهت اشتغال و اجرای خط مشی های آن به سازمان ها و ارگانهای مختلف مربوطه ارائه شده است. یکی از معیارهای مهم در تعالی توانمندسازی اشتغال در جوامع شکل گیری و اجرای مناسب خط مشی گذاری اشتغال می باشد. در این پژوهش عوامل موثر بر افزایش این معیار را از دیدگاه یک رویکرد حکمرانی شبکه ای

\*Email: meghdad.shah@gmail.com

## مدیریت، اقتصاد و حسابداری

تهران - بهمن ۱۳۹۹



با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد بررسی قرار داده، نتایج حاصله حاکی از آن است که ارزیابی اداری و سیاسی بیشترین نقش موثر را افزایش توانمندسازی اجرای خط مش گذاری اشتغال را دارد  
کلمات کلیدی: خط مش گذاری، اشتغال، حکمرانی شبکه ای، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی

## ۱. مقدمه

انسانها در زندگی فردی و اجتماعی خود به طور مرتب با مشکلات و مسائل عدیده ای روبرو بوده و در سرتاسر زندگی مشغول حل این مسائل و برطرف نمودن همین مشکلات هستند؛ مسائل متعددی از قبیل تورم، بیکاری، بیماریهای درمان ناپذیر، عدم تمکن مالی تا تبعیض، نابسامانیهای اجتماعی، ناکارآمدی مسئولان دولتی و آموزش فرزندان که او را مجبور می نماید، برای زندگی و بقای خود، با این مسائل بستیزند و خود را در معرض مخاطرات مختلف قرار دهد، شاید از این نگاه بتوان گفت: زندگی کردن یعنی حل، مداوم و مستمر مسائل است (دانش فرد، ۱۳۹۳ مسئله عمومی، ابعاد گسترده تری از اجتماع را در برگرفته و مصالح عمومی را خدشه دار می نماید. این ابعاد ممکن است آموزش، اشتغال، رفاه، بهداشت، امنیت، جنگ و صلح، مسافرت، مسکن، بانکداری و یا هر امر دیگری باشد که موضوع اصلی در این پژوهش بحث اشتغال می باشد. اما نکته قابل توجهی که در این زمینه وجود دارد این است که مسئله ای که جنبه عمومی دارد، بیش از آنکه بر یک فرد یا افراد خاص تأثیر بگذارد، کمبود یا نقصانی است که مردم را شدیداً به تنگ آورده و محدودیتهای اساسی در زندگی آنها ایجاد نموده، یا چالشی است که نحوه تعامل و اداره آن، آینده مردم را سخت متأثر خواهد نمود (الوانی، ۱۳۸۶). علاوه بر آن، مسئله عمومی مورد توجه و علاقه مردم است. درباره مسائل فردی صحبت نمی کند، بلکه راجع به مسائل گروهی صحبت می کند و نیازمند تصمیمات عمومی و گروهی میباشد (جونز، ۲۰۱۰). مسائل عمومی بسیاری از سازمانها را تحت فشار قرار داده و موجب شده تا آنها دستورالعملهای اجرایی و ساختارهای سازمانی را جهت پاسخ بدان، تغییر دهند (گیوریان و ربیعی، مندجین، ۱۳۹۱) دولت نیز در پاسخ به این مشکلات و در ارتباط با اهداف رشد، توسعه ملی و رفاه شهروندان و حل این مشکلات در زمان حال، خط مشی هایی را تدوین مینماید. ضرورت این امر انکارناپذیر است، چون اگر تلاشها جهت رسیدگی به این مشکلات به محض وقوع صورت نگیرد، ممکن است به مراحل غیرقابل کنترل رسیده، باعث انحطاط رشد اجتماعی و اقتصادی شده و در نهایت توسعه جامعه را به خطر اندازد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه با بخش خصوصی ضعیف، از اهمیت بالایی برخوردار میباشد (حاجی پور و دیگران، ۱۳۹۴). خط مش گذاری، تصمیم گیری در مورد اولویت ها و اهداف است و باید بر بهترین راه حل ها برای حل مشکلات یا جلوگیری از آن ها متمرکز شود (مارسال و سگال، ۲۰۱۷). خط مشی گذاری را علم دولت در عمل و شاخه ای نوین از علم سیاست می دانند که با توجه به عرصه عمومی آن و چندوجهی بودن مسائلی که خط مشی ها برای حل آن ها تدوین می شوند از علومی همچون حقوق، اقتصاد، جامعه شناسی و روان شناسی به تناوب و تناسب بهره مند می گردد (هوولت و مخرجی، ۲۰۱۷). باید توجه نمود که در شرایط کنونی دولت تنها بازیگر صحنه کشور نمی